

راهکارهای تعامل با خانواده همسر

حسنیه صالحان*

مقدمه

ازدواج دختر و پسر، پیوند دو نفر نیست؛ بلکه پیوند دو خانواده است. زمانی که طرفین ازدواج می‌کنند، دو نوع فرهنگ و آداب و رسوم خانوادگی به هم پیوند می‌خورد و زمینه‌ای برای ایجاد وحدت و یکپارچگی میان این آداب و رسوم، هنجارها و ارزش‌ها، مقررات، نقش‌ها و عادت‌ها در قالب یک فرهنگ و سنت جدید به وجود می‌آید.^۱

در حقیقت هر خانواده‌ای مانند یک دولت، قوانین مختص به خود را دارد. ازدواج دو عضو از دو خانواده مستقل که قوانین‌شان نیز با یکدیگر تفاوت بسیاری دارد، می‌تواند مشکلاتی را هم برای خانواده تازه تأسیس و هم خانواده‌های هر یک از طرفین ایجاد کند. برای مثال در یک خانواده

* دانش‌آموخته جامعه‌الزهراء (علیها السلام) و کارشناس روانشناسی.

۱. آرمان عزیزی و همکاران؛ «پیش‌بینی افزایش و کاهش طلاق با توجه به نقش خانواده همسر در زندگی خصوصی»؛ سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، باتومی، گرجستان، مؤسسه سرآمد همایش کارین، ۱۳۹۵.

صمیمیت بسیار است و در خانواده‌ای دیگر بر استقلال عاطفی اعضای خانواده تأکید شده است. این تلاقی، خواه ناخواه مشکلاتی را ایجاد می‌کند که باید با تدبیر آنها را برطرف کرد. در این نوشتار برآنیم تا اهمیت روابط با خانواده همسر و راهکارهایی برای رفتار نیکو و پسندیده با آنها را از نگاه اسلام و سبک زندگی اسلامی مورد بررسی قرار دهیم.

تأثیر روابط با خانواده همسر بر زندگی زوجین

تعاملات منفی زوجین با خانواده همسر، از عواملی است که می‌تواند نقش بسزایی در اختلافات زناشویی و حتی فروپاشی زندگی زوجین داشته باشد. بنا بر ویژگی‌های فرهنگی، قومی و اسلامی جامعه ایرانی، زوجین جوان پس از ازدواج می‌کوشند رابطه خود با خانواده‌هایشان را حفظ کنند. از آنجا که خانواده همسر نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند و سایر جنبه‌های زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بی‌توجهی به این امر می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری برای خانواده و جامعه در پی داشته باشد.^۱

قطع رابطه با خانواده همسر نیز آسیب‌های خاص خود را دارد؛ زیرا وقتی این رابطه قطع گردد، نخستین کسی که معترض می‌شود، همسر است. او که از ناحیه والدین و بستگان خویش تحت فشار است، این فشارها را به همسرش منتقل می‌کند و این امر سبب بروز تنش و درگیری در خانواده می‌شود و محیط ناامنی را در خانه ایجاد می‌کند.^۲

در چنین اختلافی مرد نه می‌تواند از همسرش جدا شود و نه از پدر و مادرش. از یک سو همسری است از پدر و مادر خود چشم پوشیده، به هزاران امید به خانه شوهر آمده و شریک زندگی شده است و اکنون

۱. همان.

۲. همان.

نیازمند حمایت شوهر است. از دیگر سو پدر و مادری هستند که سالها برای فرزندشان زحمت کشیده و او را بزرگ کرده‌اند و اکنون نمی‌توان به راحتی با آنها قطع رابطه نمود و اسباب ناراحتی‌شان را فراهم ساخت. بنابراین هر دو خانواده باید در ازدواج باقی بمانند تا شخص احساس هویت خویش را حفظ کند؛^۱ زیرا آنچه موجب موفقیت در زندگی خانوادگی می‌شود، وجود ارتباط مناسب با خانواده همسر و بستگان اوست. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است:

انسان هیچ‌گاه از خویشانش بی‌نیاز نمی‌شود؛ حتی اگر مال و اولاد هم داشته باشد، به ملاحظت و احترام آنها احتیاج دارد. آنها هستند که با دست و زبان از او حمایت می‌کنند. خویشان و اقارب بهتر از او دفاع می‌کنند. در مواقع گرفتاری زودتر از دیگران به یاری‌اش می‌شتابند. پس هر کس از خویشان دست بکشد، یک دست از آنها برداشته؛ لیکن دست‌های زیادی را از دست خواهد داد.^۲

بنابراین می‌توان با اخلاق خوش و سکوت و تواضع، محبت یک طایفه را به‌دست آورد و از مزایای این ارتباطات خانوادگی بهره‌مند شد. ارتباط با خانواده همسر فواید و آثاری نیز به دنبال دارند که از جمله می‌توان به حفظ بهداشت روانی، وجود تنوع در زندگی، رشد و بالندگی اجتماعی، برخورداری از حمایت‌های فکری خویشاوندان، سبکباری، امنیت‌خاطر، بهره‌مندی از تجربه بزرگ‌ترها و ایجاد تعادل در خانواده اشاره کرد.^۳

۱. همان.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۱۰۱.

۳. آرمان عزیزی و همکاران؛ «پیش‌بینی افزایش و کاهش طلاق با توجه به نقش خانواده همسر در زندگی خصوصی»؛ سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، باتومی، گرجستان، مؤسسه سرآمد همایش کارین، ۱۳۹۵، به نقل از م. ایمانی؛ ارتباط با خانواده همسر.

یکی از راه‌های اثبات پذیرش همسر، مهربانی و حسن معاشرت با خانواده اوست. چه نیکوست که زوجین با قصد و نیتی الهی به رفت و آمد با خانواده همسر بپردازند و او را در امر پسندیده صلح‌رحم یاری کنند؛ هر چند که آنها رابطه خوبی با او نداشته باشند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «با بستگان خود پیوند کنید؛ هر چند آنان از شما بریده باشند»^۱.

راهکارهای تعامل با خانواده همسر

پس از ازدواج در زندگی هر یک از زوجین و خانواده‌های آنها، تغییرات عمده‌ای اتفاق می‌افتد که هر کدام متعهدند این تغییرات را بپذیرند و ضمن سازگاری با آنها، شیوه‌های مدیریت مؤثر را بیاموزند.^۲ از جمله این راهکارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بایستگی ارتباط با خویشاوندان زوجین

هر یک از زن و شوهر، بستگان و اقوامی دارند که هیچ کدام تا آنجایی که از نظر شرع مقدس مانعی نباشد، حق چشم‌پوشی از آنها را ندارند و نمی‌توانند دیگری را نیز از انجام این فریضه مهم باز دارند؛ زیرا دیدار با خانواده و صلح‌رحم، عبادت است و رفت و آمد با آنها، کاری پسندیده می‌باشد.

زن نباید نسبت به اقوام شوهرش حساسیت نشان بدهد و از پذیرفتن آنان در خانه شوهر، خودداری کند. همچنین باید از اوقات تلخی زمان حضور آنان در خانه شوهر یا منع شوهر از رفت و آمد با آنان و کمک به حل

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۱۹، ص ۹۲.

۲. نجمه بارباز اصفهانی و همکاران؛ «مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاوره خانواده و اسلام»؛ فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده؛ سال نهم، شماره ۲۸، پاییز

مشکلاتشان، امتناع نماید. زن و فرزندی که مانع اجرای عمل خیر، نیکی، عبادت و رفت و آمد با اقوام و کمک به آنها باشند، به فرموده قرآن، دشمن انسانند. زن مؤمنی که به قیامت ایمان دارد و احساس مسئولیت می‌کند و با همسر خویش در انجام کار خیر توافق صد در صد دارد، اگر ببیند همسرش در این زمینه سستی می‌کند، او را تشویق و ترغیب می‌نماید.^۱

۲. احترام

امام رضا علیه السلام درباره مناسبات اخلاقی و روابط میان اعضای خانواده، با بیان یک اصل کلی، فرموده است: «وَأَجْمَلُ مُعَاشَرَتِكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ»^۲ برخورد خود را با افراد کوچک و بزرگ، زیبا و نیکو گردان.

حفظ و رعایت احترام خانواده اصلی از سوی فرزندان، به طور غیر مستقیم باعث حفظ احترام آنها از سوی همسر می‌شود. کسی که در روابط کلامی و غیر کلامی با والدینش از هرگونه بی‌احترامی پرهیز می‌کند، همسرش نیز در رویارویی با والدین او هرگز به خود اجازه بی‌حرمتی نمی‌دهد. بنابراین یکی از راه‌هایی که زوجین می‌توانند به کمک آن موجب حفظ حرمت والدینشان از سوی همسر خود شوند، حفظ احترام آنها در درجه اول از سوی خودشان است.^۳

بر اساس آموزه‌های اسلام والدین همسر فرد، پدر و مادر او به شمار می‌آیند و رعایت احترام و حقوق آنها همانند پدر و مادر خود لازم است: «الآبَاءُ

۱. حسین انصاریان؛ نظام خانواده در اسلام؛ ص ۶۵.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۷۳، ص ۱.

۳. نجمه بارباز اصفهانی و همکاران؛ «مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاوره خانواده و اسلام»؛ فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده؛ سال نهم، شماره ۲۸؛ پاییز

ثَلَاثَةٌ: أَبٌ وَلَدٌ، وَأَبٌ زَوْجٌ، وَأَبٌ عَلَّمَكَ: ۱ انسان سه پدر دارد: پدری که باعث به وجود آمدن او شده، پدری که دخترش را به عقد او در آورده و پدری که به او علم می‌آموزد. متأسفانه برخی بدون توجه به سفارش خداوند در مورد رسیدگی به والدین، از رسیدگی همسر خود به والدینش جلوگیری می‌کنند؛ در حالی که این مسأله مورد تأکید آموزه‌های اسلامی و از وظایف فرزندان در برابر والدین به شمار می‌آید. بنابراین جلوگیری از رسیدگی همسر به والدین، در واقع جلوگیری از اجرای حکم خداست^۲ و بی‌شک با توجه به آنچه در روایات درباره احترام به والدین آمده، مانع شدن در برابر این کار آثار سوئی در زندگی خواهد داشت.

مرحوم محدث قمی رحمته الله حکایت کرده است که شخصی در نجف اشرف، پرستاری پدر پیرش را عهده‌دار بود و دائماً در خدمت او بود، مگر در شب‌های چهارشنبه که از پدر جدا می‌شد و به مسجد سهله می‌رفت. بعضی از علمای نجف دیدند که این شخص، دیگر شب‌های چهارشنبه به مسجد سهله نمی‌رود و به خدمت پدر مشغول است. سببش را از او پرسیدند، او گفت: «در یکی از شب‌های چهارشنبه به خدمت حضرت تشرف پیدا کردم. حضرت سه مرتبه فرمود: تو را سفارش می‌کنم به پدر پیرت. آن‌گاه از نظرم غایب شد. از این توصیه حضرت فهمیدم که آن جناب راضی به مفارقت و جدایی از کنار پدرم حتی در شب‌های چهارشنبه نیست».^۳

۱. عبدالحسین امینی؛ *الغدیر فی الکتاب السنه و الادب*؛ ج ۱، ص ۳۶۹.

۲. نجمه باریز اصفهانی و همکاران؛ «مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاوره خانواده و اسلام»؛ فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده؛ سال نهم، شماره ۲۸؛ پاییز ۱۳۹۳، ص ۸ - ۳۶.

۳. محمد باقر مجلسی؛ *بحار الانوار*؛ ج ۵۳، ص ۲۴۵.

در خاطرات همسر شهید آیت الله مهدی شاه‌آبادی رحمته الله علیه آمده است که شهید شاه‌آبادی زمان ازدواج به ایشان گفته بود: «من مادر ناتوانی دارم که از او مراقبت می‌کنم. البته برادر و خواهر هم دارم، اما دوست دارم خودم مستخدم مادرم باشم و به ایشان خدمت کنم. مادرم داغ‌دیده هستند و خیلی نیاز به مراقبت دارند. من هم به خاطر علاقه و احترام خاصی که نسبت به مادرم دارم، دوست دارم ایشان پیش خودم باشند». همسر ایشان این شرایط را قبول می‌کند.^۱

۳. محبت

اظهار محبت، یک هنر است. امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که برادر مسلمانش به او نیاز داشته باشد و او بر رفع حاجتش نیز قادر باشد، اما در عین حال اقدامی در این امر نکند؛ خداوند بوی بهشت را بر چنین شخصی حرام می‌کند».^۲

اگر چه از نظر فقهی، زوجین نسبت به خانواده‌های یکدیگر وظیفه خاصی به عهده ندارند، اما از منظر اخلاقی در دین اسلام، همه انسان‌ها موظفند نسبت به یکدیگر خیرخواه باشند و اساس و معیار روابطشان بر اصل محبت، تعاون و همکاری باشد. اگر هر یک از زوجین در مقابل ناملایمات خانواده همسر، با ملایمت، خوشرویی و خوش‌اخلاقی رفتار کنند، به تدریج تأثیر آن را خواهند دید؛ زیرا با محبت می‌توان دل‌های سخت بسیاری را نرم، و به قول شاعر خارها را به گل تبدیل کرد.

۱. جمعی از نویسندگان؛ همسران همراه؛ ص ۱۱۵.

۲. محمد بن علی صدوق؛ الامالی؛ ص ۴۳۰.

۴. جلوگیری از دخالت اطرافیان در زندگی مشترک

گاهی خویشاوندان به قصد آموزش زندگی، در زندگی همسران جوان دخالت می‌کنند و حتی به جای آنها تصمیم‌گیری می‌نمایند. اگر چه قصدشان خیرخواهی است، اما اگر این خیرخواهی با تدبیر کافی نباشد، تبدیل به زیان خواهد شد و اختلافات بسیاری را به وجود خواهد آورد.

اگر زوجین و خانواده‌ها نتوانند مرزسازی مناسبی در روابط خود ایجاد کنند، مسلماً با مشکلات بسیاری مواجه خواهند شد. مرزهای سالم در روابط زوجین و خانواده، ویژگی‌ها و کارکردهای بسیاری دارد که از جمله می‌توان به حفظ استقلال زوجین، حفظ کمیت و کیفیت مناسب ارتباط با خانواده همسر، رعایت حریم خصوصی زوجین، احترام به نیازها و خواسته‌های زوجین توسط خانواده همسر، رعایت حرمت‌ها و کاهش بدرفتاری زوجین و خانواده همسر نسبت به یکدیگر، برخورداری از حمایت خانواده همسر و سعی زوجین در رفع مشکلات خانواده همسر اشاره کرد.^۱

از آنجایی که زوج‌های جوان هنوز از رموز زندگی و آسیب‌های آن، آگاهی کافی ندارند و در اطراف آنها نیز کسانی هستند که در رویارویی با اتفاقات مختلف در زندگی، تجارب متفاوتی کسب کرده‌اند، برخورد حذفی با این موضوع عاقلانه نیست؛ زیرا می‌توان به جای آزمون و خطا در کارها و تحمل هزینه‌های سنگین، با مشورت با خانواده‌ها کارها را به سرانجام رساند. امام علی علیه السلام در اهمیت تجربه‌آموزی فرموده است: «الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَّتْهُ

۱. نجمه بارباز اصفهانی و همکاران؛ «مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاوره خانواده و اسلام»؛ فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده؛ سال نهم، شماره ۲۸؛ پاییز

التَّجَارِبُ: ^۱ عاقل و خردمند، کسی است که تجربه‌ها او را پند و اندرز دهد و در او اثرگذار باشد».

۵. انتظارات منطقی

در زندگی اجتماعی، هر فرد باید سطح توقع خود را از دیگران پایین بیاورد و بپذیرد هر انسانی، دارای میزانی از درک و شعور است و نمی‌توان از هر کس، انتظار رفتارهای درست و حساب شده داشت. در زندگی مشترک نیز ممکن است هر یک از زوجین و افراد خانواده همسر، انتظارات و توقعات خاصی از یکدیگر داشته باشند که اگر از سوی مقابل مورد بی‌توجهی قرار گیرد، موجب بروز مشکلات بسیاری شود. برآورده نشدن انتظارات معقول هر یک از زوجین توسط خانواده همسر، می‌تواند سبب قطع رابطه فرد یا مشاجره با خانواده همسر، و یا بروز خشم و خالی کردن عصبانیت بر سر همسر شود.

بنا بر آموزه‌های دینی، یکی از راه‌های کم کردن توقع در زندگی حاکم شدن اصل «هر آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز پسند» در روابط خود و به‌ویژه در روابط با خانواده همسر است. برای مثال عروس باید نسبت به مادر شوهرش، همان رفتاری را داشته باشد که دوست دارد در آینده عروسش با او داشته باشد. مادر شوهر نیز باید همان‌گونه با عروسش رفتار کند که در دورانی که عروس خانواده بود، دوست داشت مادر شوهرش با او همان‌طور رفتار کند.

در نظر داشتن اینکه والدین همسر مثل والدین خود فرد است، بسیاری از مشکلات را در ارتباط با خانواده طرف مقابل بر طرف می‌کند. زن و شوهر

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۱، ص ۳۱۲.

باید خویشاوندان همسرشان را همان‌گونه که هستند، بپذیرند؛ یعنی باید با رعایت نکات اخلاقی و دینی، به آنها احترام بگذارد و از خطاها و آزارهای آنها چشم‌پوشی کند.

۶. تعدیل وابستگی‌ها

زن و شوهر پس از ازدواج، با دو نوع وابستگی روبه‌رو هستند: وابستگی به والدین و اعضای خانواده اصلی و وابستگی به همسر. معمولاً فرد در رویارویی با این دو وابستگی، دچار تعارض می‌شود. در واقع هر گاه یکی از زوجین نسبت به خانواده‌اش، وابستگی مالی یا عاطفی و یا فکری بیشتری داشته باشد، در برخورد با خانواده همسر دچار مشکلاتی می‌شود. این موضوع، یکی از مشکلات شایع زندگی زوجین است که تأثیرش را به صورت دخالت‌ها در زندگی آنان نشان می‌دهد. برای از بین بردن چنین مشکلی باید به خود و همسر کمک کرد تا از وابستگی شدید به پدر و مادر، بدون اینکه ذره‌ای در احساس دوست داشتن پدر و مادر خللی وارد شود، رها شود.^۱ لازم است زن و مرد روابط مناسب با والدین را ادامه داده و در تعارضات، در کنار رعایت حقوق همسر، حقوق والدین را نیز رعایت نمایند؛ زیرا قرآن فرزندان را به سپاس‌گذاری از والدین و رعایت حقوق آنها سفارش نموده است.^۲

۷. رازداری

گاهی در زندگی مشترک، مسائل و مشکلاتی میان زوجین پیش می‌آید یا

۱. نجمه باریز اصفهانی و همکاران؛ «مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاوره خانواده و اسلام»؛ فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده؛ سال نهم، شماره ۲۸؛ پاییز ۱۳۹۳، ص ۸ - ۳۶.

۲. لقمان: ۱۴.

زوجین نسبت به یکدیگر در جریان زندگی مشترک به چیزهایی دست می‌یابند که بازگو کردن آنها برای خانواده اصلی، پیامدهای ناگواری در پیش دارد. برای مثال اگر طرفین عیوبی در یکدیگر مشاهده می‌کنند، به جای بازگو کردن برای خانواده، باید پوشاننده عیوب یکدیگر باشند. چه بسا خانواده‌ها به سبب علاقه افراطی به فرزند خود یا برخوردهای مغرضانه، زمینه تشدید مسائل را فراهم کنند. این در حالی است که در سیره بزرگان شکایت نکردن از وضعیت نابه‌سامان و پنهان داشتن کاستی‌های زندگی مشترک و در مقابل برخورد سنجیده والدین، به وفور قابل مشاهده است.^۱ بنابراین زن و شوهر باید اسرار یکدیگر را حفظ کنند و به بیرون از فضای خانه منتقل نکنند. امام علی علیه السلام فرموده است: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقٌ سِرٌّ»^۲ سینه عاقل، گنجینه اسرار اوست.

شیخ صدوق رحمته الله علیه از عایشه روایت می‌کند: روزی فاطمه علیها السلام به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد و پنهانی با ایشان به گفت‌وگو پرداخت. وقتی درباره مضمون گفت‌وگویش با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او پرسیدم، فرمود: «مَا كُنْتُ لِأَفْشَى سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ»^۳ من راز رسول خدا را افشا نمی‌کنم.

اسرار درون خانواده، امانت است. اگر زن یا شوهر راز همسرش را فاش کند، به آرمان خانواده خیانت کرده و زندگی خود و اعضای خانواده را در معرض نابودی قرار داده است؛ چرا که فرجام خیانت، بدبختی همه اعضای

۱. نجمه بارباز اصفهانی و همکاران؛ «مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاوره خانواده و اسلام»؛ فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده؛ سال نهم، شماره ۲۸؛ پاییز ۱۳۹۳، ص ۸-۳۶.

۲. فتال نیشابوری؛ روضة الواعظین؛ ج ۱، ص ۴.

۳. محمد بن علی صدوق؛ الأملی؛ ص ۵۹۵.

خانواده و نیز خود فرد خیانت کننده است: «وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ»^۱
قطعاً خداوند، نیرنگ خائنان را به جایی نمی‌رساند».